



The Process of Originating Rulings on Emerging Social Issues Through the Noble Verse of Shūrā *

Muhammad Husayn Turkanloo¹
Javad Ishaqian Dorcheh²

Abstract

Based on the idea of the inclusion and presence of jurisprudence and Shari'a in all areas of human life, rich resources are necessary to respond to the increasing needs of man. Undoubtedly, the consequence of being immersed in the verses of the Qur'an and meticulously exploring is the modern approaches in accordance with the latest findings of the human sciences, and the expedience of the Qur'an being extra-temporal and extra-spatial is its responsiveness to the emerging (mustahdatha) issues. Among the emerging vital issues are matters related to government and society. Considering the shortcomings in elucidating this important matter, this article seeks to describe, by descriptive-analytical method and through the noble verse of the Shūrā, the process and cycle of the power transfer and the generating rulings on emerging issues in the field of the interests of society. The outcome of the research is that by considering the arguments of the Shūrā, the obligatory necessity of establishing a council (shūra) is stronger and the status of the republic government (jumhuriyyat) can be deduced from it. It was also found that the revision and presentation of a different interpretation of the verse of the Shūrā shows that the Holy Qur'an has not left anything unattended in solving emerging issues and has stated the channel through which programs and laws should be regulated and legislated.

Keywords: verse of the Shūrā, government, emerging issues, interests of society, guardianship of the council.





فرایند انشای حکم در مسائل مستحدثه اجتماعی

از رهگذر آیه شریفه شورا*

محمدحسین ترکانلو^۱

جواد اسحاقیان درچه^۲

چکیده:

بر اساس اندیشه شمول و حضور فقه و شریعت در تمام ساحات زندگی بشری، منابعی غنی برای پاسخ‌گویی به نیازهای فزاینده انسان لازم است. بدون تردید پیامد محض شدن در آیات قرآن و کنکاش موشکافانه آن، رهیافت‌های مدرن مطابق با جدیدترین یافته‌های علوم انسانی است و اقتضای فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن، پاسخ‌گویی به مسائل مستحدثه است. از مسائل حیاتی نوظهور، امور مربوط به حکومت و جامعه است که با توجه به کاستی‌های موجود در تبیین این مهم، این نگاشته درصدد است به روش توصیفی-تحلیلی و از رهگذر آیه شریفه شورا، فرایند و چرخه گشتار قدرت و انشای حکم در مسائل نوظهور در حیطه مصالح جامعه را ترسیم کند. برآیند پژوهش این است که با دقت نظر در ادله شورا، وجوب تکلیفی برقراری شورا، اقوی است و حکم وضعی جمهوری را می‌توان از آن استنباط کرد. همچنین مشخص شد که بازنگری و ارائه تفسیر دگرگون از آیه شورا نشان می‌دهد قرآن کریم در حل مسائل مستحدثه، هیچ چیز را بالاتکلیف نگذارده است و مجرای را که باید از آن طریق، برنامه‌ها و قوانین تنظیم و تقنین شود، بیان کرده است.

کلیدواژه‌ها: آیه شورا، حکومت، مسائل مستحدثه، مصالح جامعه، ولایت شورا.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۴، تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰.

10.22081/jqr.2025.70160.4113

شناسه دیجیتال (DOI):

mh.torkanlo@ut.ac.ir

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

Eshaghian.dorcheh@ut.ac.ir

۲. استادیار دانشگاه تهران

به باور بیشتر مسلمین، قرآن مؤلفه‌هایی دارد؛ از جمله اینکه قرآن، متنی الهی است؛ در تضاد با سنت و عترت نیست؛ محتوای آن مخالف عقل و عدل نیست و فراتر از زمان و مکان نزول است. حال اقتضای قرآن، پاسخ‌گویی به مسائل شرعی نوظهور را می‌طلبد و همواره علم اجمالی به وجود آیات الاحکام مسائل مستحدثه در اذهان فقیهان وجود داشته است. آمیختن تحولات با زمان، مسائل مستحدثه را به وجود آورده است که پویایی قرآن کریم، راهی برای حل این مسائل بوده است. کمبود استفاده از آیات الاحکام در اذهان و افهام محققان، حقیقتی تلخ و پنهان‌ناشدنی است. شاید مشکل از آنجاست که توان قرآن کشف نشده است و همچنین نوع نگرش به آیات الاحکام و نحوه دلالت‌یابی محققان فقه، نقصانی اساسی دارد و این نقصان، گاه موجب چشم‌پوشی از آیات قرآن و ترجیح رجوع به دیگر منابع فقهی می‌شود. طرح اولیه این پژوهش، بر اساس این ذهنیت شکل گرفته است که راهکارهایی برای استخراج انرژی‌های نهفته در قرآن وجود دارد و هنوز می‌توان با نوعی مطالعه نظام‌مند سرچشمه جوش احکام شرعی را به‌دست آورد.

از جمله مسائل مستحدثه، شکل حکومت است. در گذشته به خاطر عوامل مختلف، شکل حکومت‌ها کم اهمیت بود، اما امروزه این بحث اهمیت بسیاری یافته است.^۱ بدون تردید سامان‌بخشی به مسئولیت‌های اجتماعی نیازمند شکل است. تحول نگرش اشکال حکومت در عصر حاضر به دنیای فقه نیز رسوخ کرد، سیره و سنت و روش و منش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تعالیم قرآنی ایشان، بارها مراجعه شده است تا اینکه فقیهان بتوانند با مطالعه‌ای دوباره به نظریه‌ای برسند که جوهر و تار و پودش با منابع اسلامی عجین باشد. شورا از جرگه این تعالیم است. منصفانه باید اعتراف کرد با وجود ضرورت تبیین جایگاه شورا در حکومت، جای خالی آن در فقه نمایان است. گفتنی است نزدیک به صد سال از ندای فقیه و اصولی سترگ، میرزای نائینی درباره نادیده انگاشته شدن آیه شورا می‌گذرد، آنجا که می‌نویسد:

«زهی اسف و حسرت که چقدر از مدالیل کتاب و سنت و احکام شریعت و سیره پیغمبر و امام خود بی‌خبریم! آیه واضح الدلالة [شورا] را گویا در کتاب مجید الهی عز اسمه، هرگز نخوانده و

۱. برای مثال در بند ۳ ماده ۲۰ اعلامیه حقوق بشر آمده است اراده مردم اساس حکومت است: این اراده باید در انتخاباتی سالم ابراز شود که به‌طور ادواری صورت می‌پذیرد. انتخابات باید عمومی، با رعایت مساوات و با رأی مخفی یا به شیوه‌ای مشابه برگزار شود که آزادی رأی را تأمین کند. (بسته نگار، ۱۳۸۰، ص ۵۴)



یا به مفادش برنخورده ایم ... مایه سرافکندگی و غبطه ما مردم است که از نقل کلمه مبارکه «لاتنقض الیقین بالشک» آن همه قواعد لطیفه استخراج می‌کنیم ولی از مقتضیات مبانی و اصول مذهب و مایه امتیازمان از سایر فرق چنین غافلیم...» (نائینی، ۱۳۷۸، ص ۷۶ و ۷۹)

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«اما باید جوانان ما، فرزندان ما، زبدگان فکری ما، روی هر کدام از این سرفصل‌ها و بخش‌ها [مردم سالاری دینی] بنشینند فکر کنند، کار کنند، مطالعه کنند؛ نه فقط بحث‌های ذهنی شبه روشنفکری، بلکه بحث‌های کاربردی، بحث‌های عملیاتی، بحث‌های ناظر به واقعیت. این‌هایی که ما عرض می‌کنیم سرفصل‌هایی است برای کارهای فکری که ان شاء الله به وسیله جوانان ما دنبال خواهد شد.» (بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت امام خمینی (ره) در حرم امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳/۰۳/۱۴).

با توجه به این مهم، این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا می‌توان بر اساس آیه شریفه شورا در مسائل نوظهور که در حیطه مصالح جامعه است، استنباط حکم انجام داد؟

هر چند اخیراً کتاب‌هایی تحت عنوان فقه پژوهی قرآنی منتشر شده است، اما راهکارهایی منسجم و عینی برای استفاده از قرآن ارائه نکرده‌اند. تنها کتابی که به این مسئله پرداخته است کتاب فقه پژوهی قرآنی در آمدی بر مبانی نظری آیات الاحکام نوشته سید محمد علی ایازی می‌باشد که سال ۸۰ منتشر شده است. کتاب «آیات الاحکام (حقوقی - کیفری)» آیت الله عمید زنجانی نیز که سال ۸۸ منتشر شده است، شیوه آیات احکام سنتی را تبیین کرده است. همچنین کتاب خمس انفال فیء در قرآن کریم به قلم آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی نیز در سال ۱۳۹۲ در این راستا به چاپ رسیده است. اما بر اساس جستجوی نگارنده، تاکنون در زمینه استنباط حکم حکومتی از آیه شورا (حتی در کتاب‌هایی که نام‌شان آمد) تحقیقی انجام نگرفته است و حتی مقاله‌ای نیز در این زمینه منتشر نشده است. از این جهت این پژوهش رویکردی نوآورانه دارد و در لابه لای بحث‌ها، پاره‌ای از مبانی اصولی برای استفاده از قرآن نیز گنجانده شده است.

۱. آیه شورا

۱-۱. تبیین مفردات و مدالیل تصویری آیه شریفه شورا

«فَمَا أَوْسَرْهُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ

أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ؛ «آنچه به شما داده شده است، بهره زندگی دنیاست و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده و به پروردگارشان توکل می‌کنند، بهتر و باقی‌تر است. و کسانی که از گناهان کبیره و زشتی‌ها پرهیز می‌کنند و چون خشم و غضب کنند، می‌بخشند و کسانی که دعوت پروردگار خود را اجابت نموده و نماز پیا می‌دارند و حکومت آن‌ها به شورا نهاده می‌شود و از آنچه روزیشان کرده‌ایم انفاق می‌کنند.» (شورا/ ۳۶-۳۸)

راغب، استجابت را به اجابت معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۰).
طبرسی همین سخن را می‌آورد و از میرد نقل می‌کند که در استجابت، معنای اذعان قرار دارد که در اجابت نیست (طبرسی، ۱۳۷۳، ص ۲/۲۱۴). معنای واژه «امر» در قرآن، متفاوت است. الزام شرعی: «فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ «پس باید کسانی که امر خدا را مخالفت می‌کنند و از آن روی می‌گردانند، بترسند که مبادا به فتنه‌ای بزرگ یا عذاب دردناک دیگر گرفتار شوند» (نور/ ۶۳) و عزم و تصمیم: «أَتَاَهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَا هَا حَصِيدًا كَأَنْ لَّمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ»؛ «ناگهان فرمان ما به شب یا روز در رسد و آن همه زیب و زیور زمین را دور کند و چنان خشک شود که گویی دیروز هیچ نبوده است» (یونس/ ۲۴) و کار است: «وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ»؛ «و هر چه در آسمان‌ها و زمین پنهان است، همه برای خداست و امور عالم همه به خدا بازگردانده می‌شود» (هود/ ۱۲۳). اما در آیه شورا، «امر» به معنای فعل اجتماعی و به تعبیر برخی منصرف به اصل حکومت است یا اینکه حداقل حکومت، قدر متیقن آن است (منتظری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۶۰). اگر ظهور واژه «امر» در قرآن و حدیث به دقت بررسی گردد، ظهور این واژه در معنای کار و فعل اجتماعی و امور کلان قطعی می‌گردد؛ از جمله ترکیب «اولی الامر» در قرآن کریم که به معنای «صاحبان زمام‌داری» است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ «ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید» (نسا/ ۵۹)، «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَوَرَدُوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِيَ الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلَّ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَ مِنْهُمْ»؛ «و (منافقان) چون امری به آنان برسد که باعث ایمنی یا ترس (مسلمین) است (و باید پنهان داشت) آن را منتشر می‌سازند، در صورتی که اگر آن را به رسول و به صاحبان حکم که از خودشان هستند گزارش می‌دادند همانا آنان که اهل بصیرتند در آن واقعه صلاح‌اندیشی



می کردند» (نساء/۸۳) و آیه «قَالَتَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَتُنُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى شَاهِدُونِ»؛ «آن گاه گفت: ای رجال کشور، شما به کار من رأی دهید که من تاکنون بی حضور شما به هیچ کار تصمیم نگرفته ام» (نمل/۳۲) و احادیث فراوانی که امر به معنای «زمام داری» در آن به کار رفته است.^۱ در آیه مشورت نیز می فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران/۱۵۹) که خطاب به رسول خداست. گفتنی است مقصود از «امر»، امور جزئی نیست؛ زیرا در این صورت لازم است خطاب به مردم باشد، وانگهی منظور از امر، فرمان نیز نیست؛ زیرا در فرمان الهی جایی برای مشورت نیست (صالحی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۸). بنابراین متیقن از واژه امر فعل اجتماعی است. از حضرت علی (علیه السلام) شعری در نهج البلاغه آمده است که به ابابکر فرمود:

فان كنت بالشورى ملكت امورهم فكيف بهذا والمشیرون غیب
وان كنت بالقربى حجت خصيمهم فغيرك اولى بالنبي واقرب

«اگر ادعا می کنی که با شورای مسلمین به خلافت رسیدی، چه شورایی بود که رأی دهندگان حضور نداشتند؟ و اگر خویشاوندی را حجت می آوری، دیگران از تو به پیامبر نزدیک تر و سزاوارتر هستند.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۹۰) دعبل خزاعی شاعر معروف شیعی مذهب، در پیشگاه امام رضا (علیه السلام) در مذمت خلفای بنی امیه و بنی عباس خواند:

تراث بلا قربى و ملك بلا هدى و حكم بلا شورى بغير هدايت

«خلافت ایشان میراثی بی قرابت است، سلطنتی بی هدایت، حکمرانی بدون شورا و راهنمایان هدایت است» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۱۹) شورا و مشورت، دو مصدر از ماده «شأر» و «شور» است، شورا به فعل اجتماعی انصراف دارد؛ این در حالی است که مشورت، همیاری فکری و قائم به شخص خاص است. به بیان دیگر، شورا تصمیم جمعی است که از خرد جمعی ریشه می گیرد، در حالی که مشورت به فرد متکی است. دلیل اینکه واژه «شوری» و «امر» هر دو به امور کلان ناظر است، قرینه حالیه آیه شورا و تناسب حکم و

۱. در کتب حدیثی که پر از واژه امر است، آمده است: «ان هذا امرکم لیس لاحد» (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۹۳؛ طبری ۱۳۹۴، ج ۶، ص ۳۰۶۷ و ۳۰۷۷)، «الامر الى الله يضعه حيث يشاء عند ذلك صاحب هذا الامر» (نعمانی، ۱۳۶۳، ص ۱۸۱)، «قَطَّ امرها رجلاً» (هلالی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۵۱)، «ولیتموه امرکم» (نهج البلاغه، خطبه ۹۲)، «تذاکروا امرنا» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۷۵)



موضوع و سیره عملی مسلمانان و حتی سیره عقلا بر جدایی مشورت با شورا است. در احادیث نیز این جداسازی صورت گرفته است.^۱ با وجود چند صد روایت در مورد مشورت تنها تعداد اندکی در مورد شورا وجود دارد و جملگی درباره تصمیم‌های کلان اجتماعی است. این تفکیک از عصر نزول تا اکنون استمرار دارد؛ مانند شورای رهبری، مجلس شورای رهبری، شورای نگهبان، شورای شهر و غیره. این نکته از نزول آیات نیز نمایان است؛ زیرا آیه شورا، مکی است و مؤمنان را به شورا مدح نموده است، بنابراین دیگر چه نیازی به آیه مشورت وجود دارد؟ با این همه اگر میان مشورت و شورا تمایزی نباشد به مقصود نگاشته، لطمه‌ای وارد نمی‌شود.

ظهور واژه «بین» در کلمه «بینهم» در موارد مشابه ناظر به آن است که گویا کنار هم ایستاده‌اند و امری را وسط قرار داده و با مشورت می‌کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۵۰۰) اما شورا در صغریات (تشخیص مصالح ضروری و تحسینی و والیان امر) است و در کبریات (گزاره‌های شرعی کلی) شورا نیست. احکام شرع باید به فقیه نافذ الحکومه که میثاقی با رابطه استناد دارد، موکول شود، قرآن در این باره آشکارا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و رسول و کارداران خود را - که خدا و رسول، علامت و معیار ولایت آنان را معین کرده - فرمان ببرید و هرگاه در امری اختلاف‌تان شد برای حل آن به خدا و رسول مراجعه کنید.» (نساء/ ۵۹) حاصل اینکه شورا، دکه‌ای فراروی شرع نیست، بلکه نهادی مورد تنفیذ شریعت مقدس است.

۲-۱. نظرات مفسرین پیرامون آیه شریفه شورا و مشورت

علامه طباطبایی در المیزان می‌نویسد:

«راغب می‌گوید: کلمه تشاور و مشاورت و مشورت به معنای استخراج رأی صحیح است، به اینکه آدمی در مواقعی که خودش در باره کاری رأی صحیح ندارد، به دیگری مراجعه کند و از او رأی صحیح بخواهد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۷۰) و این کلمه از ماده «شور»

۱. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خطبه ۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «فَيَا لَلَّهِ وَ لِلشُّورى»، همچنین در نامه ۶ می‌فرماید: «أَنَا الشُّورى لِلْمُهَاجِرِينَ وَ الْانصَار...»، از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است که: «یا بن رسول الله ما حملک على الدخول فى ولاية العهد؟ فقال: ما حمل جدی أمير المؤمنين (علیه السلام) على الدخول فى الشورى؟» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۴۱)



گرفته شده است. عرب می گوید: شرت العسل؛ یعنی من عسل را از کندویش استخراج کردم و در قرآن کریم نیز از مشاوره سخن گفته می شود: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران/ ۱۵۹) و کلمه شوری به معنای آن پیشنهاد و امری است که درباره اش مشاوره شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۷۰) بنابراین معنای آیه چنین می شود: مؤمنین آنها هستند که هر کاری می خواهند بکنند، در بین شان شورایی می شود که پیرامونش مشورت می کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۹۳/۱۸)

در این آیه، به این اشاره شده است که مؤمنین اهل رشد هستند و کاری را انجام می دهند که باید بکنند و در به دست آوردن و استخراج رأی صحیح، دقت به عمل می آورند و به این منظور به صاحبان عقل مراجعه می کنند. در نتیجه این آیه شریفه، معنایی نزدیک با آیه شریفه «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر/ ۸) دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۸، ص ۹۳). جصاص می نویسد: «از اینکه شورا در ردیف ایمان به خدا و برپا داشتن نماز قرار گرفته است، می فهمیم مشورت تا چه اندازه با اهمیت است و نیز از آیه استفاده می شود که مسلمانان موظفند در امورشان شور کنند.» (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۳۸۶) شیخ طوسی می نویسد: «به کاری پیش از آن که با دیگران مشورت کنند، اقدام نکنند؛ زیرا گفته شده است هیچ قومی در امورشان با یکدیگر مشاوره نکنند، جز اینکه به بهترین نظریه ها دست یابند.» (طوسی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۱۶۸) زمخشری می نویسد: «مردم آن سامان پیش از اسلام و پیش از آمدن رسول خدا، عادت شان این بود که هرگاه مهمی پیش آمد، گرد می آمدند و درباره آن مشورت می کردند، پس خدای متعال در آیه، آنان را به این رسم نیکو ستود» (زمخشری، ۱۳۹۷، ج ۴، ص ۲۲۸).

از جمله لایه های اخلاقی آیه این است که اشخاصی را به وصف شورا مدح می کند که دعوت الهی را پذیرفته اند و نسبت به برپا داشتن نماز پایدار هستند. گنابادی آورده است: «در امور با یکدیگر مشورت کنند و مستبد الرأی نیستند؛ زیرا در اثر ایمان و عمل صالح از انانیت و تکبر و خودبینی درآمده اند و در طلب خیر و بیان آن به یکدیگر اعتماد دارند» (گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۴۹). آیت الله میرزای نائینی می فرماید: «مرجع ضمیر [و شاورهم] جمیع امت و قاطبه مهاجرین و انصار است، نه اشخاص خاصه و تخصیص آن به خصوص عقلا و ارباب حل و عقد، از روی مناسبت حکمیّه و قرینه مقامیّه خواهد بود نه از باب صراحت لفظیه و دلالت کلمه «فی الامر» که مفرد محلی و مفید عموم اطلاقی است، بر اینکه متعلق مشورت مقرر در شریعت مطهره تمام امور سیاسیه است و خروج احکام

الهیة عز اسمہ از باب تخصص است نه تخصیص» (نائینی، ۱۳۷۸، ص ۷۳-۷۴). در تفسیر نمونه آمده است: «مکی بودن آیه به این معناست که پیش از حکومت، به مسلمانان بینش داده می شد؛ زیرا آنها در دوران مکه تحت تعلیم پیامبر ﷺ جهت آمادگی برای ساختن جامعه آتیہ اسلامی، قرار داشتند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۵۸)

آیت الله معرفت در تقابل با کسانی که شورا را مشاوره فردی و به منظور دلجویی از مؤمنین دانسته اند، می نویسد: «این تفسیر، مخالف آیه است و مایه بی اعتباری آرای عمومی است، در صورتی که آیه به مردم بها می دهد. اساساً تفسیر یادشده مخالف مفهوم شور در متعارف عقلا است، که معمولاً پس از مشورت، رأی اکثریت را تنفیذ می کنند» (معرفت، ۱۳۷۷، ص ۹۶). وانگهی در روایتی از اهل سنت آمده است «عزم» در آیه مشورت، به معنای عمل کردن به مشورت است. «أخرج ابن مردويه عن علي قال سئل رسول الله ﷺ عن العزم فقال مشاورة اهل الرأي ثم اتباعهم» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۰) سیره پیامبر اکرم ﷺ که در جنگ احد، در پذیرش نظر جمع، نشان دهنده این امر است (آیتی، ۱۳۹۸، ص ۳۰۹-۳۱۰؛ قاضی زاده، ۱۳۸۵، ص ۵۲). البته براساس برخی از احادیث، پس از مشورت می توانند بر رأی خویش عمل کنند؛ جمعش به مشورت در امور شخصی مرتبط با شخص ایشان است که مشورت جزئی موضوعاً از بحث خارج است. (آیتی، ۱۳۹۸، ص ۳۰۹-۳۱۰؛ قاضی زاده، ۱۳۸۵، ص ۵۲)

۲. تقریب استدلال به آیه شریفه شورا

۲-۱. بیان فقهی استدلال به آیه شریفه در سیاق ارتباطی

بیان استدلال به آیه شورا این است که خداوند می فرماید: «سرای آخرت بر کسانی بهتر و پاینده تر است که ایمان دارند، به خدا توکل می نمایند، از گناهان بزرگ اجتناب می کنند، هنگام خشم می بخشدند، استجاب خداوند می کنند، نماز را برپا می دارند و امر آنها شورای ما بین آنهاست.» در حقیقت خداوند سرای آخرت را برای کسانی توصیف می کند که این صفات را دارند و پیداست که جمله خبریه «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» در مقام انشا، وجوب شورا را مدلل می سازد. از صفات قبلی به قرینه سیاق یعنی «اسْتَجَابُوا لِلَّهِ» و «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» دانسته می شود که شورا نیز واجب است. از آنجا که همه فقرات آیه به صورت جمله خبریه در مقام انشا آمده است، از تحقق وقوع فعل خبر می دهد، گویا فرمان شورا انجام شده است و آن قدر این امر محقق الوقوع است که این حکم الهی به منزله صفتی از صفات این اشخاص





قرار گرفته است. البته اگر به معنای آیه توجه شود، خداوند بهشت و سرای آخرت را برای این اشخاص توصیف می‌کند، ولی این آیه، مفهوم ندارد؛ زیرا کسانی که برخی از این شاخصه‌ها را ندارند، وضعیت آنها چگونه خواهد بود. آیت الله منتظری می‌فرماید: «اطلاق آیه [أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ] اقتضای مطلوبیت و نفوذ، آن هم در اصل ولایت و هم در فروع و اجرای آن را دارد.» (منتظری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۹۰) معنای سخن ایشان این است که آیه شورا در تمام شئون حاکمیت اعم از انتخاب والیان و تقنین و اجرا، اطلاق دارد.

از آنجا که توده‌های مسلمانان به دنبال تبعیت جدی از احکام اسلامی هستند و با توجه به این نکته که قانون‌گذاری بدون مطالعات عمیق پیشینی و تبیین دقیق مبانی فلسفی و اعتقادی و نیز عدم تدوین اصول و جهت‌گیری‌های کلی و هماهنگ در یک بافت منسجم و نظام‌مند، جز پریشانی در منطق، آشفتگی در تقنین و اختلال در احقاق حقوق مردم ثمری نخواهد داشت، می‌توان کلید حل بسیاری از مسائل مستحدثه را در آیه شورا دانست. این آیه، توانایی ترسیم منظومه‌ای منسجم، هماهنگ و قابل اجرا را دارد و فرایند تقنین احکام مرتبط با مسائل مستحدثه را شکل می‌بخشد. همچنین تشتت در افکار فقهی و گاه برداشت‌های ناصواب فقهی را - که مسائل را بیشتر به صورت موردی می‌بیند و کمتر در مورد جهت‌گیری‌های کلی بحث می‌کند - با توجه به خطوط برجسته مبانی دینی در جامعه و تنوع فتاوی و دیدگاه‌های متغایر، در ساختاری قابل دفاع، سامان می‌بخشد.

اینک باید دید نوک پیکان وجوب در آیه به کدام سو است؟ سه احتمال مطرح است:

۱. شرکت در شورا؛ ۲. التزام به تصمیم شورا؛ ۳. نفس برقرارکردن سیستم حکومتی شورایی.

به نظر می‌رسد در آیه، لبه تیز وجوب بر دو احتمال اخیر قرار گرفته است و شاهد آن این است که قرینه‌ای در آیه وجود دارد که اگر شخصی نخواهد در شورا شرکت کند، همین مقدار که زمامداری آنها صدق شورایی بودن کند، کافی است. به بیان دیگر طبیعت شورا، مطلوب شارع است و شورا اعم از شرکت برخی افراد یا شرکت نکردن آنهاست. البته وجوب کفایی حداقل ممکن در شورا از باب عدم اخلال به نظام و اینکه نام شورا صدق کند روشن است. خلاصه اینکه از قلب حکم تکلیفی وجوب شورا به دلالت التزام می‌توان حکم وضعی^۱ جمهوریت در کشور اسلامی را استنباط کرد و این همان شکل حکومت اسلامی در

۱. حکم وضعی، احکامی است که از اوضاع موضوع خبر می‌دهد و باید و نباید در آن نیست اما منشأ بسیاری از احکام تکلیفی می‌باشد؛ مانند ملکیت، زوجیت، ولایت، ضمان ذمه و طهارت.



فرض تعدد اشخاص و در مصالح جامعه است. از آنجا که نظام حقوقی ایجاب می‌کند، ادبیات آن صرفاً دستوری یا موعظه‌گرایانه نباشد و اوضاع مرتبط با موضوع در ساختاری نرم‌تر، با فاصله از بایدها و نبایدها ارائه گردد، وضعیت‌هایی ترسیم گشته است که خود، مایه استانداردسازی شکلی و کنترل نظام حقوقی فردی و اجتماعی است و فقیهان نام این مقررۀ شارع را حکم وضعی می‌نهند، حکم وضعی جمهوریت نیز در حقیقت تعیین تکلیف در مسائل حکومت را به شرط اینکه دیدگاهی مغایر با شرع نباشد، به مجلس شورای اسلامی واگذار کرده است و نیازی نیست مجتهد رأساً در مورد مسائل مستحدثه‌ای که با نظم و اداره جامعه مرتبط است، مورد به مورد به دنبال دلیل شرعی آن باشد. این مهم خود از رهنمودهای قرآنی در آیه شورا است که بخش عظیمی از معضل مسائل مستحدثه را پاسخ می‌دهد. در حقیقت جمهوریت یکی از احکام وضعی اسلام است که منشأ بسیاری از احکام تکلیفیۀ دیگر است.

۲-۲. بیان فقهی استدلال به آیه شریفه در معناشناسی استقلالی

ساختار بیانی آیه شریفه، به گونه‌ای است که امکان می‌دهد معناشناسی استقلالی از جمله «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» بهره گرفته شود. در افق این فرض، شارع مقرر داشته است مسلمانان به خاطر برقراری شورا، مستحق مدح هستند. بنابراین از منظر ساختار استقلالی، معنای آیه، تأکید بر حیثیت اخباری بودن جمله اسمیه است و نظر بر حیثیت انشایی ندارد، بلکه صفت شورا را به عنوان صفتی عالی و ممتاز، در ردیف اقامۀ نماز بیان کرده است تا الگو و اسوه برای مسلمانان گردد. در افق این فرض مرجع ضمیر «هم» در واژه «بینهم» به مجموعه‌ای از اشخاص به گونه‌ای اشاره دارد که نمی‌خواهد حقی تنها برای این افراد جعل کند، بلکه اخباری از رفتار شهروندی این اشخاص درباره حکومت است. این وجه ارشادی بودن^۱ امر به شورا و مشورت را نشان می‌دهد و اوامر ارشادی نیز بر حسب اهمیت در لزوم و جواز، تابع مرشدالیه خود است. به نظر می‌رسد هر دو لحاظ ارتباطی و استقلالی آیه، حجیت خود را دارد و تنافی نیست، تنها سیاق استقلالی قابلیت این را دارد که شورای اسلامی همگان را فرا گیرد.

برخی از احادیث نیز مؤید وجوب شورا است؛ از جمله از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده

۱. امر ارشادی بعث و زجری مستقل ندارد و اصل آن اخبار و راهنمایی به مصالح و مفاسدی است که درک می‌کند.



است که فرمود: «إِذَا كَانَ أَمْرًاؤُكُمْ خِيَارًاكُمْ وَأَعْيَاؤُكُمْ سُمَحَاءَكُمْ وَأَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ فَظَهَرُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَّكُمْ مِنْ بَطْنِهَا»؛ «آن گاه که فرمانروایان شما خوبان شما باشند و ثروتمندان تان بخشنندگان شما و حکومت شما در بین شما بر اساس شورا باشد، روی زمین بهتر است برای شما از درون آن» (ترمذی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۶۱؛ ابن شعبه، ۱۳۸۰، ص ۳۶). استدلال به این حدیث مبنی بر وجوب شورا این است که مفهوم حدیث از امری واقعی، حسی و عینی اخبار دارد که اگر فرمانروایان شما افرادی بدکردار باشند و افراد ثروتمند از پرداخت حقوق ضعیفان جامعه، خودداری کنند و حکومت شما نیز بر اساس شورا نباشد، در دل زمین (آرامستان) که سلب حیات و عدم تنفس است بهتر از زندگی در چنین جامعه‌ای خواهد بود. این روایت به اهمیت شورا در حفظ نظام اجتماعی نظر دارد. در نامه‌ای از امیرالمؤمنین (علیه السلام) به معاویه آمده است: «إِنَّمَا الشُّورَى لِلْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ فَإِنْ اجْتَمَعُوا عَلَى رَجُلٍ وَسَمَوْهُ إِمَامًا كَانَ ذَلِكَ لِلَّهِ رِضًا»؛ «شورا از آن مهاجرین و انصار است، اگر بر امامت کسی گرد آمدند و او را امام خود خواندند خشنودی خدا هم در آن است.» (نهج البلاغه، نامه ۶) از این کلام امام استفاده می‌شود که نظر مردم در مشروعیت حکومت، مؤثر است. در نامه امام حسن (علیه السلام) به معاویه آمده است: «آن گاه که علی (علیه السلام) از دنیا رفت، مسلمانان خلافت را به من سپردند؛ از این رو از ادامه حرکت باطل خویش دست بردار و در بیعت من که مردم در آنند وارد شو، زیرا تو نیک می‌دانی که من نسبت به این امر (خلافت) از تو سزاوارترم.» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹ق: ۳۵) استفاد از حدیث شریف این است که رضایتمندی مردم شرط مشروع بودن حکومت است. از مفاد صلح نامه امام حسن (علیه السلام) این است: که امور ولایت مسلمانان به وی (معاویه) واگذار می‌گردد، با این شرط که با مسلمانان بر اساس کتاب خداوند و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و سیره خلفای صالح عمل کند. معاویه بن ابی سفیان نمی‌تواند برای پس از خویش کسی را مشخص کند، بلکه باید امر [زمامدار] پس از وی با شورای مسلمانان مشخص گردد. «لیس لمعاویه بن ابی سفیان أن یعهد الی احد من بعده عهدا بل یکون الامر من بعده شوری بین المسلمین.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۶۵) مفاد این حدیث این است که پس از نص خاص، نوبت به آرای مسلمانان می‌رسد. در عیون اخبار الرضا از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که به نزد شما آید و بخواهد جماعت شما را متفرق و حکومت امت را غصب و بدون مشورت بر مردم مسلط شود، او را بکشید؛ زیرا خداوند متعال اجازه چنین قتلی را صادر فرموده است. «من جاءکم یرید ان یفرق الجماعة و یغصب الامة امرها و یتولی من غیر مشورة فاقتلوه فان الله قد اذن

ذلك» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۲) مورد حدیث زمام‌داری است و از مصادیق زمام‌داری از راه‌های نامشروع، تشکیل حکومت بدون مشورت همگانی است. در این حدیث، مجازات کسی که موجب خرق رابطه استناد و غصب موقعیت گردیده، مجازات سنگین سلب حیات دانسته شده است.

از این احادیث به ضمیمه اشعاری که در گذشته نقل شد می‌توان به گونه‌ی دیگری نیز استدلال کرد که آن تقریر معصوم برای شورا است. ائمه اطهار: هرگز شورای سالم و عادلانه را تخطئه نکردند و اگر کلماتی مانند «فَيَا لَئْلَهَ وَ لِلشُّورَى» (نهج البلاغه، خطبه ۳) در شکوه از شورای عمر بر زبان جاری کردند نه از جهت اینکه چرا عمر شورا تشکیل داده است، بلکه از ساز و کار ناعادلانه و تبعیض‌آلود و غیره آن بود، آن چنان که در ادامه خطبه می‌توان علت شکوه امام را مشاهده کرد. بنابراین می‌توان از سنت که شامل قول و فعل و تقریر معصوم است، به تمام موارد در اثبات حجیت شورا در انتخاب والی تمسک کرد.

۳-۲. بیان فقهی حقوقی استناد به آیه

در آیه شریفه اگر شورا در معنای جزئی به کار رود و مفهومی فراتر از مشورت نداشته باشد، باز هم اطلاق آیه، تشخیص متولی امر را دربرمی‌گیرد. محرز است که امور اجتماعی با اضافه «امر» به ضمیر «هم» و بار دیگر با اضافه واژه «بین» به ضمیر «هم» به مجتمع مسلمانان مستند گشته است و این استناد مستقیم با واسطه مشورت یا شورا صورت گرفته است. از آنجاکه واژه «امر» در جمله «أَمْرُهُ شُورَى بَيْنَهُمْ»، همه امور مرتبط با زمام‌داری را دربرمی‌گیرد، تعیین حاکم و هرگونه تصمیم و قانون‌گذار در امور حکومت و اداره اجتماع برعهده شورا است و نیازمند این است که هر دو مقوله، در راستای رابطه استناد در دو امتداد مستقل دنبال شود، اما قدر جامع آن این است که رابطه استناد، کلیدی‌ترین پیام و محور آیه است. این رابطه استناد میان شورا و همه امور مرتبط با زمام‌داری همواره باید محفوظ بماند تا بتوان گفت به مضمون آیه عمل شده است. اگر این رابطه استناد در حکومتی گسسته شود یا مخدوش گردد، مشروعیت الهی آن حکومت در معرض چالش قرار می‌گیرد.

۳. رهنمودها و پیام‌های آیه شریفه شورا

۳-۱. بازه زمانی عرفی در دوران ولایت والیان

در دانش اصول، ذیل استصحاب آمده است که پاره‌ای موارد استصحاب از زمانیات است. منظور، اموری است که در بستر زمان پیدا می‌شود و به دقت عقلی، زمان میان اجزای آن





فاصله ایجاد می‌کند، طوری که استصحاب‌ناپذیر هستند، مگر تا آنجا که عرف آن موضوع را یکسان ببیند. از آنجاکه حکومت از امور زمانیات به‌شمار می‌آید و همچون رودخانه‌ای در بستر زمان، رونده است، به این معنا که همان طور که آنات زمان در گذر است، حکومت‌ها نیز در طول زمان استمرار دارند و نیاز ضروری توجه به مقتضیات زمان و مکان موجب نیاز به تصمیم‌گیری‌هایی نوین می‌گردد. شورا نیز بنا به تناسب حکم و موضوع باید امری پویا و پیوسته باشد. در نتیجه به نظر می‌رسد آیه نوعی پویایی را در شورا نهاده است و نوعی بازه زمانی عرفی در شورا وجود دارد. دلیل این سخن آن است که حکومتی که هر دو یا سه نسل یا بیشتر، تنها یک‌بار در آن شورایی تشکیل می‌گردد، در دنیای امروز در عرف و نزد عقلا، حاکمیت شورایی به‌شمار نمی‌آید، بلکه با تجدید و تعویض گروه مخاطبان می‌توان بر رجوع دوباره به شورا استدلال کرد؛ زیرا نسل‌های پیشین نمی‌توانند برای پسینان تعیین تکلیف کنند و شعاع نفوذ ثمره شورای آنان تنها خود آنان را دربرمی‌گیرد. شاهد آن این است که افعال پیشین و پسین آیه در سیاق فعل مضارع هستند، مانند «یتوکلون»، «یجتنبون»، «یغفرون»، «ینفقون» و «ینتصرون» که استمرار، پیوستگی و تداوم را می‌رساند.

۲-۳. رابطه استناد در اعتبار قلمرو سرزمینی

شورا با کسانی مرتبط است که اولاً بر قلمرو سرزمینی خویش سلطه دارند و ثانیاً تصمیمات شورا تأثیری مستقیم بر زندگانی آنها دارد و اعمال اقتدار شورا، به تبعاتی برای اشخاص منجر می‌گردد؛ زیرا حق عضویت و تصمیم‌گیری در شورا برای کسانی است که با شورا ارتباط داشته باشند و بر اساس قاعده عقلی (کل شیء بحسبه و بقائه بحسبه و ارتفاعه بحسبه) میزان رأی مردم یک سرزمین، تنها اعلام رضایت همان سرزمین به‌شمار می‌آید. البته این مبنا بر پایه پذیرش تقسیمات نوین سرزمینی و جغرافیایی است وگرنه در صورت تحقق امت واحده، سخن از تعدد انتخاب بی‌معنی است. برخی از محققان گفته‌اند: «در ولایت فقیه به مفهوم انشایی هر ولی فقیه تنها بر کسانی ولایت دارد که او را به ولایت انتخاب نموده‌اند» (صالحی، ۱۳۸۰، ص ۵۷). نکته دیگر اینکه برخی از سرزمین‌ها متعلق به همه مسلمانان است و تنها به یک کشور اختصاص ندارد، از جمله حرمین شریفین مکه و مدینه و تمام ابنیه و آثار تاریخی آن، متعلق به همه مسلمانان است و باید به‌وسیله شورا و افکار همگانی تمام مسلمانان اداره شود، نه اینکه عده‌ای خود را متصدی آن بدانند و تمام آثار تاریخی آن که هویت مسلمانان است به دست نابودی بپارند.

قرآن کریم درباره تصدی همگانی بر مسجد الحرام می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ



عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِطَلَمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ «کسانی که کفر ورزیدند و از راه خدا و مسجدالحرام که ما آن را برای همه مردم قرار دادیم و مقیم و مسافر در آن یکسان است، باز می‌دارند، بدانند که ما به هر کس از ایشان که بخواهد در آنجا تجاوزی و ستمی بکند، عذابی دردناک خواهیم داد.» (حج/ ۲۵)

همچنین در مورد کعبه می‌فرماید: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ»؛ «خداوند مکه را بیت الحرام و مایه قوام مردم قرار داده است» (مائده/ ۹۷) در آیه دیگر نیز خداوند می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِمَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»؛ «اولین خانه عبادتی که برای مردم بنا نهاده شد آن خانه‌ای است که در مکه واقع است، خانه‌ای پربرکت که مایه هدایت همه عالمیان است» (آل عمران: ۹۶) روشن است مکانی که به سرنوشت و زندگی و هدایت قاطبه مسلمین مرتبط است، باید با شورای کشورهای اسلامی اداره شود.

۳-۳. نظریه ولایت تقنینی شورا در تشخیص مصالح

لغت قانون معرب «کانون» است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۷۳۹۵) که از مشروطه در ادبیات حقوقی مطرح شده است و از الفاظ مستحدثه است. این واژه از جانب علمای بیشتر مترادف واژه حکم تلقی شد، اما حقیقت آن است که قانون با حکم تفاوت دارد. قوانین، الزامات متغیری است که جامعه جهت حفظ نظم و روابط بین شهروندان بر اساس مصالح، توسط مجلس شورا تنظیم و تصویب می‌کند، شرع و عرف و قواعد و نظریه‌های حقوقی از منابع قانون است. پرسش این است که وجه مشروعیت انبوه قوانینی که هر روز تصویب می‌شود و ده‌ها و صدها دفتر قانون تاکنون تصویب گشته است و دادگاه‌ها بر طبق آن حکم می‌دهند چیست؟ برای مثال به وسیله وجدان، قوانینی درک می‌شود که در هیچ سند شرعی مطرح نشده است، از قوانین ممنوعیت تغییر کاربری زمین، مقررات تابعیت، روادید، گواهینامه رانندگی، بیمه اجباری، وظیفه اجباری، کیفرگذاری‌ها و جریمه‌های نوین امنیتی و انتظامی تا قوانین بهره‌برداری از مباحات و مشترکات عمومی و غیره به راستی وجه شرعی (حجیت) این سیاهه قوانین از کجاست؟ وجه‌ترین پاسخ این است که امضای نهاد شورا از جانب شرع برای قانون‌گذاری است. از آنجا که واژه «امرهم» مطلق است، باید امور عرفیه و مصالح تحسینی و ضروری^۱ نیز به رابطه استناد منتسب گردد.

۱. مصالح تحسینی، مصالحی است که به حد ضرورت نمی‌رسد، اما وجود آن مفید است، از جمله تأسیس پارک، ورزشگاه، کتابخانه، فضای سبز. در مقابل مصالح ضروری که از طریق قاعده حفظ نظام واجب



در حقیقت خداوند در این آیه، ولایت انشای قانون در حیطه همین مصالح را به مسلمانان داده است. هر چند شورا نهادی مأذون از شارع است، اما احکام آن را به طور مستقیم نمی توان به خداوند نسبت داد؛ زیرا در مرتبه قرار گرفته است^۱ و به خاطر نقص و محدودیت های انسانی بیم آن است که در تشخیص مصالح به خطا رفته باشد. در فقه، ترتبی در امر ولایت در امور عامه بیان گشته است، در درجه نخست، ولایت معصوم و در درجه دوم، ولایت فقیه و در درجه سوم، عدول مؤمنین و در نهایت فساق مؤمنین، اما با توجه به دلالت آیه شورا می توان با ارتقای ولایت مسلمین در غیر از احکام و در حدود مصالح نوعیه، آن را هم سنگ و هم تراز ولایت فقیه دانست.

۴. همخوانی آیه شورا با مقاصد، بنیان های اخلاقی و انسان شناختی

بدون تردید از مهم ترین مقاصدی که شریعت اسلام مدنظر دارد، اقامه عدل و قسط است. قرآن کریم هدف فرستادن پیامبران و کتب آسمانی را بیداری و خیزش مردم برای برقراری عدالت می داند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵). نکته حائز اهمیت در آیه، نهادن بار سنگین اقامه عدل بر دوش مردم است، «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» که طبیعتاً تنها راه عملی تحقق فاعلیت مردم، بهره گیری از شورای همگانی است. از منظر اسلام، مبانی انسان شناختی به مؤلفه های متعدد عقل، علم، فطرت، اختیار و غیره تقسیم می شود. خدای متعال در امور اجتماعی، زمام و افسار سرنوشت بشر را به دست موجودیت جمعی بشر قرار داده است و اراده جامعه را در سرنوشت آنها مؤثر دانسته است. آیه شریفه می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ»؛ «خداوند حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که آن قوم حال شان را تغییر دهند.» (رعد/۱۱) به دلالت آیه، خداوند جوامع را نیز همچون افراد صاحبان اختیار و اراده قلمداد نموده است. بنابراین عالم سُفلی، تابع عالم عُلیا است و عالم بالا نیز تابع عالم سفلی است و انسان مرید، در اراده الهی مؤثر است. عقل و فطرت نیز در مسائلی اجتماعی گرایش به

می گردد مانند واجبات تشکیلاتی از قبیل پلیس، بیمارستان، دانشگاه.

۱. برای مثال دولت را با خرده نظام های فراوان تصور کنید. ممکن است به استانداری ها اختیارات تصمیم گیری در امور جزء واگذار شود، اما این به آن معنا نیست که هر تصمیمی مورد تأیید ریاست جمهور نیز هست، هر چند قوانین آن دهداری باید رعایت شوند. این معنای مرتبه است؛ یعنی قوانین لازم الاتباع هستند اما حکم اولیه اسلام نیستند.

راهکارهای اجتماعی دارد.

اگر قدری در آموزه‌های قرآنی تعمق گردد، انبوهی از مفاهیم کلیدی و گزاره‌های مهم در حوزه انسان‌شناسی در دسترس قرار می‌گیرد که شکل‌دهنده مبانی حقوقی و فراحقوقی حقوق بشر است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. مطرح کردن خلافت نوعی برای انسان‌ها در آیات متعدد: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)، «وَإِذْ كُنَّا نُمَسِّكُ بِيَدِهِ مِنَ الْجَحِيمِ» (نساء: ۶۹)، «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (يونس: ۱)، «أَمِنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُ الْخُلَفَاءَ الْأَرْضِ» (نمل: ۲۲)؛

۲. به رسمیت شناختن کرامت بشر: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسرا: ۷۰)؛

۳. مطرح کردن پیروی از همبستگی مؤمنان: «وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى» (نساء: ۱۰۵)؛

۴. آزاد گذاشتن انتخاب هدایت و ضلالت: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكَرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳) [مراد از هدایت ارائه طریق است]؛

۵. نفی سلطه و سیطره و جباریت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت به مردم: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرُ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ» (غاشیه: ۲۲/۲۱)؛

۶. نفی وکالت و نایب بودن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ایصال به نتایج در آیات متعدد: «فَمَنْ أَهْتَدَى فَلْتَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَأَمَّا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ» (زمر: ۴۱)، «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيفٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ» (شورا: ۱)؛

۷. مطرح کردن تراز خلقت انسان در بالاترین سطوح آفرینش: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴)؛

۸. استوا در خلقت برای انسان: «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ» (نفطان: ۷-۸)؛

۹. به رسمیت شناختن اصل تغییر: «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ» (آل عمران: ۴۰)، «كُنْ لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر: ۷)؛



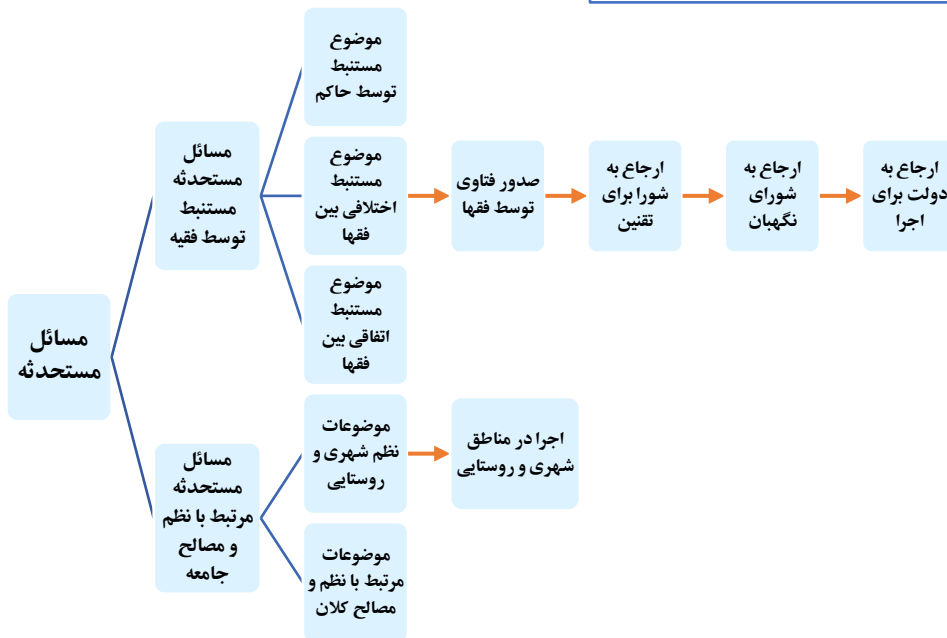


۱۰. نفی اکراه در دین در شریف‌ترین آیات قرآن: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره/۲۵۶)؛

۱۱. مذمت تزل‌دادن منزلت و شخصیت مردم: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف/۴۰)

تجمع این دلایل کسانی را که راه انبیا را طی می‌نمایند، مجاب می‌کند که در منظر الهی، انسان موجود فوق‌العاده ارجمند و ارزشمندی است. روشن است که تناسب این جایگاه والا، اقتضای در نظر گرفتن اختیاری متناسب با این جایگاه را دارد و حق تعیین سرنوشت در امور اجتماعی و تقنینی و رضایت‌مندی از متولیان امر از فروعات این مبانی است. روشن است که خود مردم می‌توانند در اموری که مرتبط با عدالت وضعی و نظم اجتماعی است، قانون‌گذاری کنند.

نظام شورا و استنباط مسائل مستحدثه



نتیجه‌گیری

با توجه به اصول کلی که در موارد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مدیریتی در قرآن بیان شده است و با بازنگری و ارائه تفسیر دگرگون از آیه شورا، قرآن کریم در حل مسائل مستحدثه هیچ چیز را رها نکرده است و مجرای آن را که باید از آن طریق برنامه‌ها و قوانین تنظیم و تقنین شود؛ یعنی مجلس شورای اسلامی، بیان کرده است. با استنباط نظریه ولایت شورا، بخش زیادی از مسائل مستحدثه حقوقی که تاکنون آنها را بدون پیشینه فقهی می‌دانستند، پشتوانه فقهی می‌یابد. از جمله فواید این نظریه برای گره‌گشایی از مسایل مستحدثه فقهی این است که جزییاتی که به حسب مقتضیات زمان و مکان تغییر می‌کند، با این نظریه می‌تواند تغییر یابد و حکم آنها نیز دگرگون شود، ولی همچنان تحت دامنه و دایره شرع مقدس قرار گیرد که این همان سیال فقه مستحدثه و منطقه فراغی است. با دقت و توجه در ادله شورا، اقوی این است که برقراری شورا وجوب تکلیفی دارد و می‌توان از آن حکم وضعی جمهوریت را استنباط کرد. در نهایت با جمع‌بندی تمام شواهد و قرائن موجود در آیه شورا به نظر می‌رسد در رابطه با مشروعیت حکومت‌ها حفظ رابطه استناد، از ملاک‌های مشروعیت متصدیان و قوانین حکومت و رشته اتصالی برای تضمین یکپارچگی امت است. شورا، نهادی اسلامی برای فعلیت بخشیدن به ظرفیت انسان‌های غیر معصوم و روشی تعلیمی برای محترم شمردن این ظرفیت‌ها توسط حاکمان غیر معصوم است. شورا همچنین برجسته‌ترین رهیافت انسانی در امکان شناسایی و گسیل نیروی مولد جامعه به سطوح عالی مدیریتی است که با جدیدترین نظریات روز دنیا در تقسیم کار اجتماعی قابل ارزیابی است.





منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۹۸). تاریخ پیامبر اسلام. چاپ دهم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق). الکامل فی التاریخ. چاپ اول. بیروت: دار صادر.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا علیه السلام. چاپ اول. تهران: نشر جهان.
۶. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۰). تحف العقول. تصحیح علی اکبر غفاری. چاپ هشتم. قم: اسلامیه.
۷. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۱۹ق). مقاتل الطالبین. قم: مؤسسه الاعلمی.
۸. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). کشف الغمّه فی معرفه الائمه. چاپ اول. تبریز: بنی هاشمی.
۹. برجی، یعقوبعلی (۱۳۸۵). ولایت فقیه در اندیشه فقیهان. چاپ اول. تهران: سمت.
۱۰. بسته نگار، محمد (۱۳۸۰). حقوق بشر از منظر اندیشمندان. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۱. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۸۷). سنن الترمذی. تصحیح عبدالوهاب اللطیف. ریاض: المكتبة السلفية.
۱۲. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). احکام القرآن. تحقیق محمد صادق قمحاوی. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). ولایت فقیه. ولایت فقاها و عدالت. چاپ اول. قم: مرکز نشر اسراء.
۱۴. دارا بکلایی، اسماعیل (۱۳۸۰). نگرشی بر فلسفه ی سیاسی اسلام. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.

۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. چاپ اول. سوریه: الدار الشامیة.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۹۷). الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل. بیروت: دار الفکر.
۱۸. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. چاپ اول. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی (ره).
۱۹. صالحی، نعمت الله (۱۳۸۰). ولایت فقیه. حکومت صالحان. چاپ اول. تهران: امید فردا.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۳). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۹۴). تاریخ طبری. ترجمه ابوالقاسم پاینده. چاپ اول. تهران: اساطیر.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۱). التبیان فی تفسیر القرآن. چاپ اول. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۴. قاضی زاده، کاظم (۱۳۸۵). مردم سالاری دینی. چاپ اول. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). الکافی. چاپ اول. قم: دار الحدیث.
۲۶. گنابادی، محمد (۱۴۰۸ق). بیان السعادة فی مقامات العبادة. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. چاپ دوم. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۸. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۷). ولایت فقیه. چاپ اول. قم: التمهید.





۲۹. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. چاپ اول. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۸). معیارهای اخلاقی در فقه امام صادق علیه السلام. ترجمه علی اکبر مهدی پور. چاپ اول. قم: انتشارات تولی.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. چاپ اول. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۲. منتظری، حسینعلی (۱۳۸۸). حکومت دینی و حقوق انسان. چاپ دوم. تهران: گواهان.
۳۳. منتظری، حسینعلی (۱۳۷۹). مبانی فقهی حکومت اسلامی. ترجمه محمود صلواتی. تهران: انتشارات سرایی.
۳۴. میر علی، محمدعلی (۱۳۸۵). جایگاه شورا در نظام مردم سالاری دینی. چاپ اول. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۵. نائینی، محمدحسین (۱۳۷۸). تنبیه الامه و تنزیه المله. تصحیح سید محمود طالقانی. تهران: چاپخانه انتشار.
۳۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳). غیبت نعمانی. ترجمه محمدجواد غفاری. تهران: کتابخانه صدوق.
۳۷. هلالی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق). اسرار آل محمد. ترجمه اسماعیل انصاری زنجانى و محمودرضا افتخارزاده. قم: هادی.